



مورد وثوق رضاشاه برای قبول ریاست دولت عذر خواستند، فروغی عهده‌دار این مهم شد که حفظ سلطنت در خاندن پهلوی، نشستن پای میز مذاکره با متفقین به منظور رفع اشغال کشور، افتتاح مجلس جدید و تلاش برای مهار بحران‌های جامعه، از جمله مهم‌ترین اقدامات دولت او در نخستین ماه‌های اشغال کشور از سوی متفقین بود.

### مقدمه

با آغاز جنگ جهانی دوم در اروپا، کشورهایی در آسیا و آفریقا نیز خواسته یا ناخواسته، وارد این جنگ شده، صدمات فراوانی را متحمل گردیدند. در میان اینها، ایران از جمله کشورهایی بود که صدمات قابل توجهی متحمل شد. پس از آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸ هـ.ش (۱ سپتامبر ۱۹۳۹)، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد؛ اما به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی و درگیری این کشور با آلمان، این بی‌طرفی ناپایدار ماند. ارتش‌های متفقین به بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران، به اشغال کشور مبادرت ورزیدند. در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش، نیروهای شوروی از شمال و شرق و نیروهای بریتانیایی از جنوب و غرب، از زمین و هوا به ایران حمله کرده و با اشغال شهرهای سر راه، به سمت تهران حرکت کردند. با تهاجم همه جانبه بیگانگان، ارتش نیم بند ایران به سرعت متلاشی شد و رضاشاه نیز ناچار به استعفا گردید.<sup>۱</sup> تهاجم به ایران در جنگ جهانی دوم تنها به اشغال نظامی کشور محدود نماند؛ بلکه با دخالت تام و تمام در همه امور مملکت توسط متفقین همراه شد، به گونه‌ای که آنها در همه امور کشوری و لشکری و حتی در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران نیز دخالت می‌کردند.<sup>۲</sup>

با عبور متفقین از مرزهای کشور و پیشروی به سوی مرکز، برخی از رجال، انتصاب نخست‌وزیری که مذاکره با متجاوزین را بی‌درنگ آغاز کند، توصیه کردند.<sup>۳</sup> رضاشاه اشخاص دیگری را مناسب این شرایط می‌دید، اما نهایتاً پذیرفت که این مهم تنها از فروغی سالخورده ممکن است و بقای سلطنت در خاندان خود بدون کمک فردی که توانایی‌ها و مناسبات ویژه با دولت‌های غالب داشته باشد، ممکن نخواهد شد. یکی از سیاست‌مداران، فروغی را شیفته اروپائیان، ولی مردی خردمند، قابل اعتماد، و با حسن نیت توصیف می‌کرد؛<sup>۴</sup> همین صفات و توانمندی‌های او در کنار علایق انکار ناپذیرش نسبت به بریتانیا بود که باعث شد توسط رضاشاه، برای بحرانی که پیش روی کشور بود مناسب تشخیص داده شود. فروغی نیز

۱. هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، ص ۴۰۷. همچنین در رابطه با سیاست‌ها و قضاوت‌های متفقین در مورد ایران، در ماه‌های اول پس از اشغال، رک: سپهر، ایران در جنگ دوم جهانی، صص ۳۱-۹۳.

۲. در رابطه با تأثیر نقش کشورهای متفق بر حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم، رک: تیراثیان، ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۱۳۲۴.

۳. خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی: علی سهیلی، صص ۷۶-۷۷.

۴. عظیمی، بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ص ۵۱.

علی‌رغم دلخوری‌ای که از رفتار پیشین رضاشاه داشت و درک مشکلاتی که زمامداری در چنان اوضاع و احوالی می‌توانست برایش داشته باشد، به شاه در جهت سر و سامان دادن به اوضاع قول مساعدت داد. در شرایط حمله و اشغال کشور مسئله فوری فروغی تلاش برای حفظ پادشاهی پهلوی و زمینه‌چینی برای رفع اشغال ایران به وسیله نیروهای انگلیس و روس بود. اشغالی که وحشت و اضطراب فلج‌کننده‌ای به وجود آورده بود؛ بمباران پراکنده شهرها، فروپاشی سریع ارتش به شکل سرازیر شدن ۵۰۰۰۰ سرباز و وظیفه ژنده پوش و گرسنه به خیابان‌ها، کمبود شدید بنزین و عرضه ناکافی گندم، جملگی این احساس را تشدید می‌کرد که فاجعه‌ای در راه است.<sup>۱</sup>

### تشکیل دولت انتقالی

با شروع تهاجم متفقین به ایران، رضاشاه که مطمئن بود در زمان مناسب از آلمان‌ها کمکی نخواهد رسید،<sup>۲</sup> آماده بود دست به هر کاری بزند تا متفقین از اشغال تهران منصرف شوند و روس‌ها نیز املاک سلطنتی در شمال ایران را در منطقه اشغالی خویش ننگنجانند. گرچه انگلیسی‌ها به هنگام روی کار آوردن او معتقد بودند که سلطه قابل ملاحظه‌اش بر مردم، باقی ماندن او بر تخت سلطنت را توجیه می‌کند؛ اما اینک نسبت به او عمیقاً بی‌اعتماد شده بودند.<sup>۳</sup> رضاشاه نیز با درک خطر، تلاش داشت با تشکیل دولت جدید و دوباره به خدمت گرفتن فروغی پیر که شش سالی قبل‌تر او را با تحقیر و فریادهای «زن ریش‌دار» از خود رانده بود، دیگر بار کنترل اوضاع را در دست گیرد. فروغی روابط بسیار نزدیکی با انگلیسی‌ها داشت، به گونه‌ای که سرریدر بولارد<sup>۴</sup> سفیر کبیر انگلستان در ایران این انتخاب را نشانه‌ای از طرف رضاشاه برای به دست آوردن دل انگلستان توصیف می‌کرد.<sup>۵</sup>

فروغی روز یکشنبه ۶ شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش (یک روز بعد از دیدار با رضاشاه) هیئت دولت را به مجلس

۱. در ماه‌های پیش رو، تشدید بحران کمبود غله را به وضوح می‌توان از عریضه‌هایی که از نقاط مختلف کشور برای مجلس فرستاده می‌شد، مشاهده کرد. برای نمونه، رک: اسناد مجلس شورای ملی، شماره بازیابی ۱۳/۱۳۸/۱۲/۱/۹، که مربوط است به شکایت اهالی نراق از کمی خوار و بار به دلیل قحطی و گرانی. همچنین همان، شماره بازیابی ۱۳/۲۳۷/۳۱/۱/۲۲۵، که مربوط است به شکایت پیشه‌وران نیشابور از قحطی و گرسنگی و تقاضای رسیدگی. همان، شماره بازیابی ۱۳/۱۷۵/۱۸/۱/۲۷۲، که مربوط است به شکایت اهالی کازرون راجع به سختی معاش و نگرانی آنها از فقدان نان و خوار و بار و شیوع قحطی. موارد بسیاری از این دست، میان اسناد و مدارک به جا مانده از آن سال‌ها یافت می‌شود. استمرار این روند در دوران حیات دولت‌های بعدی نیز مبین این نکته است که تلاش دولت‌ها از جمله دولت فروغی در رابطه با رسیدگی به مشکلات آنها، ناکام بوده است.

۲. سفیر آلمان از او خواسته بود به مدت دو ماه مقاومت کند و تسلیم نشود.

۳. عظیمی، همان، ص ۵۳.

4. Sir Reader Bullard.

۵. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ج ۱، ص ۳۲.

شورای ملی معرفی کرد.<sup>۱</sup> او در همان جلسه، تصمیم دولت مبنی بر عدم ایستادگی ارتش در برابر نیروهای متفقین را اعلام کرد:

«... خاطر آقایان محترم را مستحضر می‌رسانم که چون به طوری که به خوبی آگاهی دارند و دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و می‌باشد، برای اینکه این نیت تزلزل ناپذیر کاملاً بر جهانیان مکشوف گردد، دولت به پیروی نیت صلح‌خواهانه اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی به قوای نظامی کشور هم اکنون دستور می‌دهد که از هر گونه عملیات مقاومت خودداری نمایند تا موجبات خونریزی و اختلال امنیت مرتفع شود و آسایش عمومی حاصل گردد.»<sup>۲</sup>

رضاشاه هم گرچه در ابتدا سعی داشت با واسطه کردن فروغی انگلیسی‌ها را نسبت به ادامه سلطنت خود مجاب کند، اما جواب نمایندگان شوروی<sup>۳</sup> و انگلستان قاطع بود. فروغی او را مجاب کرد که با استعفا می‌تواند حداقل سلطنت را در خاندان خود تداوم بخشد. متن استعفا را فروغی نوشت و رضاشاه امضاء کرد: «نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام، حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که یک قوه و بنیه جوان‌تری به کارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد، بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد. بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم. از امروز که روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ است، عموم ملت از کشوری و لشکری، ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسد و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌کردند، نسبت به ایشان منظور دارند.»

کاخ مرمر - تهران، به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰

استعفای رضاشاه و اوضاع آشفته کشور، حدس و گمان درباره شکل آینده حکومت را، بحث داغ محافل سیاسی کشور نمود. متفقین به ویژه روس‌ها در تلاش برای تغییر ساختار حکومت و برقراری حکومت جمهوری در ایران بودند. انگلیسی‌ها هم سخنانی از روی کار آوردن جمهوری لیبرال می‌کردند، اما برنامه اصلی آنها، حفظ نظام سیاسی ایران به همان صورت پادشاهی بود و تلاش داشتند که یکی از بازماندگان خاندان قاجار<sup>۴</sup> را به پادشاهی برسانند. با این حال زمانی که آشکار شد نامزد مورد نظر آنها که سال‌ها در خارج ایران بوده، کلمه‌ای هم فارسی نمی‌داند، این برنامه را تغییر دادند. البته آنها موافقتی هم با به سلطنت رسیدن ولیعهد (محمدرضا) نداشتند. ولیعهد بسیار جوان بود و در سال‌های پیش عملاً از مسائل سیاسی

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره دوازدهم قانون‌گذاری، جلسه ۱۱۰، یکشنبه ۶ شهریور ۱۳۲۰.

۲. همان.

۳. محمدعلی مجد، گذشت زمان: خاطرات محمدعلی مجد (فطن السلطنه)، ص ۳۸۸.

۴. «حمید میرزا» که در نیروی دریایی انگلستان هم خدمت می‌کرد؛ البته انگلیسی‌ها می‌دانستند که شوروی‌ها با چنین شخصی به هیچ رو موافقت نخواهند کرد؛ از این رو در پی به سلطنت رساندن یکی دیگر از فرزندان رضاشاه، به ویژه غلامرضا بودند.

کشور به دور نگه داشته شده بود. وی متهم بود که دل در گرو آلمان‌ها دارد و مشتاقانه اخبار پیشروی‌های ارتش آلمان را پیگیری می‌کند. حتی به او پیغام دادند که از وجود نقشه‌ای در اتاقش باخبرند که وی بر روی آن مناطق جدید اشغال شده توسط ارتش آلمان را علامت‌گذاری می‌کند. با وجود این پس از عذرخواهی ملتسمانه ولیعهد و قول همه نوع همکاری با آنها، نظر انگلیسی‌ها درباره او تلطیف شد.<sup>۵</sup> این تغییر نظر به فروغی هم رسانده شد و پس از آن بود که فروغی ولیعهد را برای ادای سوگند پادشاهی به مجلس برد. خود فروغی هم پیشنهادی که گفته می‌شد متفقین برای رهبری یک رژیم تازه در ایران به او کرده‌اند را نپذیرفت و در عوض با پرهیز از پیچیده کردن مسائل، رعایت نص قانون اساسی را برگزید.<sup>۶</sup> که چنین سیاستی در واقع حمایت از ولیعهد بود.

در روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه (یک روز پس از استعفاء و خروج رضاشاه از تهران) محمدرضا با تشریفات سلطنتی در مجلس شورای ملی حضور یافت و سوگند وفاداری نسبت به حفظ استقلال ایران و رعایت قانون اساسی مشروطیت ایراد کرد. شاه جدید مژده جبران اشتباهات و خط‌های گذشته را داد و بدین ترتیب دوران سلطنت خود را در بحرانی‌ترین لحظات تاریخ معاصر ایران، در حالی که سربازان دولت‌های خارجی به اطراف تهران رسیده و متوقع مداخله در کلیه شئون داخلی کشور بودند، آغاز نمود.<sup>۷</sup> شاه جوان نیز فروغی را در مقام خود ابقاء کرد و مجلس شورای ملی بر این تصمیم صحه گذاشت. پس از جلوس محمدرضاشاه بر تخت سلطنت، فروغی فرصت کرد تا به ترمیم دولت مبادرت ورزیده، وزیران جدیدی را وارد کابینه کند؛ گرچه هیچ تغییر تشکیلاتی و پرسنلی قابل ذکری در ساختار سیاسی ایران صورت نگرفت و همان وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، شخصیت‌ها، با همان کیفیت و ماهیت به کار خود ادامه دادند.<sup>۸</sup>

روز یکشنبه ۳۰ شهریور ماه، مجید آهی وزیر دادگستری به نیابت از محمدعلی فروغی در مجلس حاضر شد و به معرفی هیأت‌وزیران پرداخت و برنامه‌های دولت نیز برای تصویب نمایندگان تقدیم مجلس گردید. بر اساس این برنامه دولت در سیاست خارجی خود مصمم بود با رعایت کامل مصالح کشور، همکاری نزدیک با متفقین داشته باشد. در سیاست داخلی نیز اصلاح و رفع نواقص قوانین دادگستری برای تکمیل امنیت قضائی، تجدید نظر در سازمان قوای تأمین کشور، اصلاحات در امور اقتصادی و مالی کشور، تجدید نظر در مقررات بازرگانی، الغای انحصارهای غیرضروری و اهتمام در پائین آوردن هزینه‌های عمومی زندگی، توجه مخصوص به پیشرفت کار کشاورزی و بهبودی زندگی کشاورزان، توسعه امور آبیاری، منع تدریجی کشت و استعمال تریاک، تجدید نظر در قوانین عمران و اجرای برنامه کشاورزی، ترقی و تکمیل صنایع به قدر امکان با تمایل به اینکه کارخانه‌ها به دست افراد و شرکت‌های غیر دولتی اداره شود، تکمیل

۵. فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ج ۱، صص ۱۰۰-۱۰۴.

۶. عظیمی، همان، ص ۵۵.

۷. شجیعی، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۸۶.

۸. ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، صص ۲۴۸-۲۴۹.

راه‌ها و راه‌آهن در حدود استطاعت کشور، اصلاح قانونی سازمان کشور با رعایت احتیاجات و توجه به اینکه اهالی در اداره امور محلی خود بیشتر شرکت داشته باشند، تکمیل و ترقی تأسیسات فرهنگی و اهتمام در اصلاح اخلاق عمومی، توسعه سازمان بهداشتی و توجه مخصوص به بهداشت عمومی، در کانون توجه دولت قرار داشت.<sup>۱</sup>

مجلس شورای ملی پس از دریافت برنامه‌های دولت، در جلسه سه‌شنبه اول مهرماه، آن را برای تصویب مطرح ساخت که پس از رأی‌گیری، که متضمن ابراز اعتماد به هیأت‌وزیران نیز بود، با اکثریت آراء به تصویب رسید. البته در این میان، برنامه‌های دولت با انتقادهایی نیز روبرو بود. از نگاه منتقدان «از روی عجله هر چه به نظرشان خوب آمده است نوشته‌اند؛ یک جنبه تشخیص و تعیین که پرگرام دولت لازم دارد ابدأ در این نیست؛ مثلاً کشاورزی را خوب می‌کنیم، تجارت را خوب می‌کنیم، کارهای خوب می‌کنیم و هی کلیاتی از این قبیل. و این کلیات در یک چنین موقعی که ما احتیاج داریم یک چیزهای معین و مشخصی گفته شود، منافات دارد.»<sup>۲</sup> انتقاداتی از این دست نسبت به برنامه‌های دولت کم نبود. گرچه به نظر می‌رسید فروغی و همکارانش نیز امیدها و پندارهای چندانی درباره عملی بودن اصلاحات در سر نمی‌پروراندند و هدف اصلی آنان حصول اطمینان از حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت کشور بود؛ کما اینکه این امر محقق شد و آنها نیز به خواسته خود رسیدند.

از جمله اقدامات و برنامه‌های فروغی پس از رسیدن به مقام نخست‌وزیری، تلاش در جهت ترمیم وجهه و هیبت خدشه‌دار شده دربار و شاه جدید بود. وی در همان جلسه سوگند محمدرضا در مجلس و بعد از قرائت نامه استعفاء رضاشاه اظهار داشته بود:

«...در این موقع که ایشان زمام امور را به دست گرفتند و بنا شد که ما کناره‌گیری اعلی‌حضرت سابق و زمامداری اعلی‌حضرت لاحق را به ملت اعلام کنیم. امر فرمودند که به اطلاع عموم و مجلس شورای ملی برسانم که ایشان در امر مملکت و مملکت‌داری نظریات خاصی دارند که چون مجال نداشتیم تهیه کنیم و بر روی کاغذ بنویسیم، نمی‌توانم به تفصیل عرض کنم؛ لذا به اجمال عرض می‌کنم و آن این است که ملت ایران بدانند که من کاملاً یک پادشاه قانونی هستم و تصمیم قطعی بر این است که قانون اساسی دولت و مملکت و ملت ایران را کاملاً رعایت کنیم و محفوظ بدارم و جریان عادی قوانین را هم مجلس شورای ملی وضع کرده است یا وضع خواهد کرد تأمین کنم و اگر در گذشته نسبت به مردم جمعاً و فرداً تعدیاتی شده است، از صدر تا ذیل مطمئن باشم که اقدام خواهیم کرد از برای اینکه آن تعدیات مرتفع حتی الامکان جبران بشود.»<sup>۳</sup>

فروغی همچنین طی صلح‌نامه‌ای، اموال و املاک رضاشاه را به ولیعهد منتقل کرده بود<sup>۴</sup> و اکنون به نام

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره دوازدهم قانون‌گذاری، جلسه ۱۱۷، یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۲۰.

۲. همان، جلسه ۱۱۸، سه‌شنبه اول مهر ۱۳۲۰.

۳. همان، جلسه: ۱۱۵، سه‌شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰.

۴. فروغی در ابتدای تصدی مقام خود، برای تسکین افکار عمومی از رضاشاه هبه‌نامه و صلح‌نامه گرفت که بر اساس

ترقی کشاورزی و بهبودی حال کشاورزان، ترقی اوضاع شهرها، ترقی صنایع کشور، ترقی فرهنگ و بهداری و... هزینه می‌کرد.<sup>۱</sup> شاه جدید هم به توصیه او اقداماتی انجام داد؛ از جمله زندانیان سیاسی را آزاد کرد، رهبران طوایف و عشایر را از تبعید یا زندان به موطنشان بازگرداند، از حمایت عاملان پدرش که متهم بودند در قتل مخالفین زندانی دخالت داشته‌اند دست کشید، زمین‌های وقفی را به مؤسسات مذهبی بازگرداند و سعی داشت رفتاری دموکرات‌مآبانه از خود به نمایش بگذارد.<sup>۲</sup>

هزینه کردن ثروت دربار نیز به نظر نمی‌رسید راهگشای دولت در مقابله با مشکلات پیش روی کشور باشد، چرا که نتایج هجوم و از هم گسیختگی ارکان قدرت کشور خیلی زود خود را نشان داد و هزینه‌های حضور بیگانه زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داد. مسئله امنیت و کمبود خوار و بار و نان از مهم‌ترین مشکلات مردم بود که دولت می‌بایست هر چه سریع‌تر برای درمان آن چاره‌ای می‌اندیشید.<sup>۳</sup>

### مسئله امنیت کشور

فروغی در اداره حکومت، دائماً با مسئله ناامنی در برخی از نقاط کشور دست و پنجه نرم می‌کرد. این مشکل پیامد از بین رفتن قدرت مرکزی، به دنبال حضور متفقین در کشور بود. با اشغال کشور و فروریختن یکباره استبداد، ناراضی‌های سرکوب شده شازده ساله بود که بیرون میریخت، افسران و سربازان به موطن خود فرار می‌کردند، سران عشایر که مدت‌ها زیر نظر بودند از تهران گریخته و در صدد بازسازی قدرت محلی خود بودند، سیاستمداران کهنه‌کار که بازنشستگی اجباری را می‌گذرانند، به صحنه عمومی بازگشتند، رهبران مذهبی از چارودیواری حوزه‌ها خارج شده، وعظ و خطابه را از سر گرفتند و روشنفکران جوان هم با عوض شدن اوضاع، با تشکیل دسته‌جات و احزاب و انتشار روزنامه‌ها، با شور و شوق تمام وارد صحنه سیاست شده بودند. اوضاع به ناگهان تا بدان حد تغییر پیدا کرده بود که حتی نمایندگان متملق و چاپلوس مجلس هم جسور شده و عدم وابستگی خود به ارباب سابق را با نطق‌هایی تند اعلام می‌کردند.<sup>۴</sup>

آن رضاشاه قبل از ترک کشور، به موجب سندی، تمام دارایی‌های خود را به محمدرضا انتقال دهد تا به مقتضای مصالح کشور به مصارف خیریه و فرهنگی و غیره برساند. موضوع این املاک غالباً از سوی نمایندگان در مجلس مطرح می‌شد؛ برخی از نمایندگان خواستار لغو اسناد مالکیت رضاشاه گردیدند و بازگرداندن املاک به صاحبان اصلی‌شان را طلب کردند. در همین رابطه لایحه‌ای نیز از تصویب مجلس گذشت، لیکن با وجود این تنها افراد معدودی موفق به باز پس گرفتن املاک خود شدند. املاکی هم که مسترد نشد، تحت سرپرستی دولت درآمد تا آنکه بار دیگر در سال ۱۳۲۸ش به شاه برگردانده شد.

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره دوازدهم قانون‌گذاری، جلسه ۱۱۸، سه‌شنبه اول مهر ۱۳۲۰.

۲. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ص ۲۱۷.

۳. در رابطه با عوامل کمبود نان در ماه‌های اول اشغال ایران توسط متفقین رک: آبادیان، «غلات و زندگی اجتماعی مردم در جنگ دوم جهانی»، ۱۳۹۰.

۴. آبراهامیان، همان، ص ۲۰۸.

فروغی در وهله نخست مجبور بود با ناامنی و هرج و مرج در مناطق عشایری مقابله کند؛<sup>۱</sup> برخی از اقدامات دولت فروغی که تصمیم داشت با انجام آنها وجهه مناسبی برای شاه جوان تدارک بیند هم نتیجه‌ای معکوس داشت. از جمله صدور فرمان عفو عمومی زندانیان و آزاد کردن سران دربند قبایل و عشایر که عملاً اختلافات قدیمی را زنده کرد و بر مشکلات امنیتی کشور افزود.

با وجود اینها، جدی‌ترین دلیل نگرانی دولت، در مناطق تحت اشغال شوروی بود. دولت نگران بود روس‌ها به بهره‌برداری از احساسات قومی - محلی و بسیج آن بپردازند و از آنها به نفع خود بهره‌برداری کنند. جنوب کردستان از جمله مناطقی بود که مأمورین دولت یا از آنجا گریختند یا توسط رؤسای قبایل اخراج شدند؛ به طوری که امور مناطق یاد شده توسط سران عشایر و قبایل اداره می‌شد. لمبتون وابسته مطبوعاتی وقت سفارت انگلستان در ایران که به کردستان مسافرت کرده بود، گزارش می‌دهد که تمام مسیرهای منطقه پر از کُردهای مسلحی است که همگی با شور و حرارت از استقلال کردستان صحبت می‌کرده‌اند.<sup>۲</sup> دولت شوروی هم که بنا داشت با حمایت و تحریک هرچه بیشتر این اقوام، جای پای خود در مناطق اشغالی را مستحکم‌تر کند، پیش از این با جلوگیری از اعزام نیروی نظامی توسط دولت ایران به آن مناطق، موجبات تحریک بیشتر آنان را فراهم آورده بود. این عمل شوروی نوعی حمایت منفی از شورش آنان بود و نشانه‌های مثبت این حمایت زمانی بروز کرد که اتحاد شوروی عده‌ای از سران و رهبران کرد را به بهانه گسترش روابط فرهنگی به باکو دعوت نمود.<sup>۳</sup> سر ریدر بولارد وزیر مختار انگلیس در ایران با توجه به تحولات در کردستان، علت اصلی شورش‌های کردستان را اقدامات حساب شده شوروی در این مناطق دانست و این سؤال را مطرح کرد که چرا در فاصله کوتاهی پس از ورود ارتش سرخ به آذربایجان، از سران عشایر کُردها برای دیداری از باکو دعوت شد و آنان مدتی در آنجا اقامت گزیدند؟<sup>۴</sup>

اوضاع در نواحی ساحلی خزر از جمله گیلان نیز بهتر نبود. این مناطق به صورت کامل در اختیار روس‌ها قرار گرفته بود. فیلم‌های تبلیغاتی روس‌ها در شهرها و روستاها به نمایش عموم گذاشته می‌شد و چپ‌گرایان با توجه به آزادی مطلق که ارتش شوروی برای آنها فراهم آورده بود، فعالیت گسترده‌ای را در سراسر گیلان آغاز کردند.<sup>۵</sup> آذربایجان نیز شرایطی مشابه را تجربه می‌کرد. روس‌ها در آنجا هم به دنبال رسیدن به یک رشته طرح‌های سیاسی بودند. نامه و تلگراف‌های سر ریدر بولارد به وزارت خارجه انگلیس، نشان می‌دهد که چگونه روس‌ها حرکتی خزنده را برای تجزیه ایران پیش می‌برده‌اند. مثلاً در تلگراف ۱۷ شهریور ۱۳۲۰ می‌نویسد:

«من تردید ندارم که روس‌ها کوشش خواهند کرد که شمال ایران را بلشویک‌مآب کنند». یا تلگراف

۱. عظیمی، همان، ص ۶۲.

۲. آبراهامیان، همان، ص ۲۱۵.

۳. ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، ص ۷۸.

۴. ریدر ویلیام بولارد و کلارمونت اسکرین، شترها باید بروند، ص ۷۳.

۵. اصلاح عربانی، کتاب گیلان، ج ۲، ص ۱۱۳.



تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۲۰ «روس‌ها غنی‌ترین بخش مملکت را اشغال کرده‌اند. شاید دولت شوروی با گوشه چشمی به ضمیمه کردن بی‌دردسر شمال ایران به روسیه در زمان آینده، به عمد به آن توجه نشان می‌دهند»<sup>۱</sup>.

این اعمال از چشم تصمیم‌گیران حکومتی دور نمی‌ماند؛ اما به دلیل ضعف بسیار، حکومت نقشی بیش‌تر از یک ناظر نداشت. آنچه در آذربایجان اتفاق می‌افتاد، تنها گریبانگیر دولت فروغی نبود، بلکه دولت‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۴ ه.ش، نیز کم و بیش با آن درگیر بودند.

با تغییر و تحولات پیش آمده در کشور، مردم تشنه یک سلسله اقدامات و اصلاحاتی بودند که باید به مرحله اجرا در می‌آمد. مهم‌ترین مسئله پیش‌روی دولت فروغی نیز چگونگی تعامل با دولت‌های متفق بود؛ گرچه واضح است که می‌بایستی سیاست خارجی دولت، در راستای همکاری با دولت‌های فوق‌الذکر انجام می‌گرفت. در همین راستا به دنبال مذاکراتی که با نمایندگان متفقین صورت گرفت، متجاوز از یکصد تن از اتباع آلمانی به مقامات نظامی دو دولت روسیه و انگلیس تحویل داده شدند؛ با وجود این، حضور جاسوسان آلمانی کماکان در برخی از نقاط کشور گزارش میشد که هدفشان سازماندهی کردن جبهه‌ای علیه متفقین بود؛ برخی گزارشات، حاکی از نفوذ آنها در بدنه ارتش بود که در همین رابطه متفقین با استناد به اسناد به دست آمده تلاش‌هایی در جهت پاکسازی آن به کار بستند.<sup>۲</sup>

جاسوسان آلمانی اقداماتی را نیز در جهت به کارگیری نیروی مستعد عشایر انجام دادند. متفقین از دولت ایران خواستار شدت عمل بیشتری در رابطه با تحویل یا اخراج آلمان‌ها از کشور شدند. فروغی تلاش کرد از خروج اتباع آلمانی، که بسیاری از آنها در استخدام دولت بودند، جلوگیری نماید، اما روشن است که دولت ایران در مقامی نبود که بتواند در برابر خواسته‌های متفقین مقاومت کند؛ در همین رابطه وزارت خارجه دولت فروغی مجبور می‌شود یادداشتی به سفارت آلمان بنویسد که «نمایندگان دولتین اتحاد شوروی و انگلیس اصرار دارند سفارت آلمان در تهران تا روز ۱۷ سپتامبر برجیده شود و کارکنان آن خاک ایران را ترک کنند.»<sup>۳</sup> در ادامه فروغی با هوشمندی توانست همکاری و حمایت دولت و نیروهای متفقین را با امضای «پیمان سه جانبه» جلب کند. با اصرار او و دولت انگلستان بعدها آمریکا هم به این پیمان پیوست. در این پیمان بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از تجاوز آلمان به ایران و کمک به بهبود وضعیت اقتصادی ایران از سوی دولت شوروی و انگلیس تعهد شده بود؛ و در مقابل، ایران هم متعهد می‌گردید با متفقین در امور حمل و نقل همکاری کند و لوازم مورد نیاز آنها را تهیه نماید.<sup>۴</sup> در یفوس وزیر مختار آمریکا در ایران که از وضعیت نامطلوب سیاسی ایران و به دنبال آن تقاضاهای نابه‌جای متفقین گله‌مند بود، پیمان اتحاد

۱. ریدر ویلیام بولارد، همان، صص ۱۲۸-۱۳۰.

۲. گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش از جامی، ص ۷۵.

۳. خامه‌ای، سال‌های پرآشوب؛ بخش دوم: شهریور ۱۳۲۰، اشغال ایران و سقوط رضاشاه، ص ۵۷.

۴. روزنامه اطلاعات، ۱۰ بهمن ۱۳۲۰. همچنین برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: میلسپو، آمریکایی‌ها در ایران، ص ۶۱.

سه جانبه را نوبدی در جهت خواسته‌های ایران قلمداد کرد.<sup>۱</sup> با این قرارداد فروغی موفق شد ورود روس و انگلیس به ایران را از حالت خصمانه و جنبه تجاوز بیرون آورد و به آن، صورتی دوستانه بدهد، تا نگویند جنگیدیم و ایران را گرفتیم! (و در نتیجه، تخلیه کشور از قشون آنها پس از خاتمه جنگ جهانی، با مشکل روبرو شود). او از روابط صمیمی و مستحکمی که با انگلیس‌ها داشت، بهره گرفت و به وسیله انگلیس و آمریکا موفق شد نظر خود را عملی کند.<sup>۲</sup> فروغی توانسته بود در این پیمان، بندی را بگنجانند که بر اساس آن متفقین ملزم به ترک خاک کشور حداکثر تا شش ماه پس از پایان جنگ می‌شدند؛ ماده‌ای که با استناد به آن ایران موفق شد بعدها نیروهای خارجی را از مرزهای خود بیرون کند.

### بحران تأمین خوار و بار مردم

به جز برشمردن مشکلات امنیتی و دیپلماسی برای دولت فروغی، عمده‌ترین معضل دولت وی، در حوزه اقتصاد و تأمین معیشت مردم بود. کمبود شدید مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی مانند قند، شکر، نفت و به خصوص نان، واقعیت دشوار زندگی در سراسر کشور گشته بود.<sup>۳</sup> واقعیت تلخی که هم‌زمان با اشغال ایران و ورود ارتش‌های متفقین به داخل کشور تشدید هم شده بود. نیاز نظامیان یاد شده به مواد غذایی و سوخت و پول... از عوامل تأثیرگذار در تشدید این روند بود، چرا که آنها سعی داشتند مطالبات خود را با ریال تهیه کنند که ارزش کمتری نسبت به ارز آنها داشته باشد تا هنگام تبدیل، ریال بیشتری دریافت کنند. دولت نیز بنا به خواست متفقین، ابتدا ارزش پول ایران را صد درصد کاهش داد، به طوری که نرخ برابری ریال و لیره اس‌ترلینگ از ۶۸ به ۱۴۰ ریال رسید تا جایی که کاهش ارزش ریال، درآمد صادراتی ایران و تراز پرداخت‌های آن را به شدت تحت تأثیر قرار داد و اثر مخربی بر اقتصاد مردم فقیر ایران بر جا گذاشت.<sup>۴</sup> مدیریت ضعیف دولت نیز ظرف چند ماه، آثار تورمی شدیدی در اقتصاد ضعیف ایران سال ۱۳۲۰ هـ.ش بر جا گذاشت. احتکار ضروریات مردم، صحنه‌های تأسف باری را در پایتخت به تصویر کشیده بود. صف‌های طولانی برای خرید یک قرص نان، درگیری میان مردم، مأموران انتظامی، سربازان خارجی، ورشستگی تجار و... از جمله مصیبت‌هایی بود که بحران اقتصادی یاد شده به دنبال خود آورده بود. قحطی گندم، کمبود نان را به دنبال داشت و از آنجا که نان بیشترین مصرف را در سید کالایی مردم به خود اختصاص داده بود؛ این امر باعث به وجود آمدن مصائب عدیده‌ای برای مردمان آن زمان شده بود. در آن روزها شلوغ‌ترین مغازه‌ها، دکان‌های نانوايي بودند که به علت کمبود آرد، یا نانی در تنور نداشتند که به مردم بدهند یا اگر هم نانی پخت می‌شد، نانی نامرغوب بود که اضافاتی چون خاک آزه و چیزهای مثل آن را افزوده بودند.<sup>۵</sup> وضعیت

۱. مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۷، صص ۲۹۵-۲۹۶.

۲. ابولحسنی، «اعلی حضرت باید پدرشان را فراموش کنند»، سایت باشگاه اندیشه <http://www.bashgah.net/>

۳. عظیمی، همان، ص ۶۳.

۴. زیباکلام، تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۲)، ص ۹۵.

۵. روزنامه اطلاعات، ۱۱ اسفند ۱۳۲۰.

بغرنج اجتماعی و اقتصادی آن روزهای کشور را می‌توان به وضوح از لابه‌لای گزارش‌هایی که به خارج از کشور مخابره می‌شد دید. دریفوس (وزیر مختار آمریکا در ایران) در رابطه با اوضاع تهران در روزهای نخست شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش به وزارت خارجه کشور متبوع خود می‌نویسد:

«آرامشی که در تهران حکم‌فرما بود، به سرعت جای خود را به وحشت و اضطراب می‌دهد؛ عواملی که به این اضطراب کمک کرده، عبارتند از: بمباران شهرهای باز و بلاذفاع و... هجوم شایعات، کمیابی خوار و بار... وضع خوار و بار همچنان نامطلوب است و بلوهای به خاطر خوار و بار و نفت در شرف وقوع است... وضع خطرناکی پیش‌بینی می‌شود. ممکن است شورش و بلوا پیش بیاید.»<sup>۱</sup>

اوضاع تا آن اندازه وخیم بود که دیپلمات‌های آمریکایی و انگلیسی حاضر در ایران، اظهار می‌داشتند با چنان کمبودهای شدید مواد غذایی، لباس و دارو، کشور به شدت مستعد یک انقلاب خشونت‌آمیز است.<sup>۲</sup> دولت تمام تلاش خود را به کار بست تا تمهیداتی برای رفع این بحران‌ها بیندیشد. اولین اقدامی که در این باره صورت گرفت، طرح خرید گندم با افزایش صددرصد قیمت بود تا به قولی با این ابزار به پیشرفت کشاورزی کمی شود و انگیزه‌ای میان کشاورزان ایجاد گردد. برای مبارزه با معضل احتکار، راهکار دولت، جایزه به فروشندگانی بود که گندم‌های خود را به دولت می‌فروختند. اقدام دیگر، وارد کردن گندم به کشور بود تا از این راه مشکل کمبود غله تا حدودی مرتفع شود. بالا بردن قیمت نان، همسو با افزایش قیمت گندم نیز برای برطرف کردن کیفیت نامرغوب نان صورت گرفت تا به واسطه آن نانوایان مرغوب در اختیار مردم قرار دهند و به بهانه کم‌فروشی از کیفیت نان مردم نگاهند.<sup>۳</sup> تشکیل کمیته خوار و بار، تلاشی دیگری از ناحیه دولت برای رفع این بحران بود.

علی‌رغم تدابیر دولت، تأثیر همه این اقدامات در رفع بحران‌های کشور چشمگیر نبود. شاید حضور متفقین و تبعات این حضور در داخل کشور، نزدیک‌ترین پاسخ برای این ناکامی‌ها باشد. اینکه روس‌ها از یک سو در مناطق تحت اشغال خود مداخله کنند و انگلیسی‌ها از سوی دیگر، چیز عجیبی نبود؛ آنها هر کدام در مناطق تحت نفوذ خودشان اعمال قدرت می‌کردند و عملاً تصمیمات دولت برای آن نواحی، به خصوص منطقه تحت نفوذ روس‌ها، بی‌اثر بود، به طوری که اقدامات روس‌ها در مخالفت با ارسال گندم، از مناطق شمال و شمال‌غربی ایران به پایتخت، وخامت اوضاع را تشدید می‌کرد و دولت را در مهار بحران پیش رو ناکام می‌گذاشت.<sup>۴</sup> در کنار حضور متفقین، نحوه تعامل دولت و مجلس نیز اثرگذار بود. دو قدرتی که پس از فروپاشی دیکتاتوری، جسارت اعتراض کردن را در خود باز یافته بودند و تنش‌های این دو نهاد مانع

۱. مکی، همان، صص ۲۷۴-۲۷۵.

۲. آبراهامیان، همان، ص ۲۱۱.

۳. روزنامه اطلاعات، ۳ مهر ۱۳۲۰.

۴. در رابطه با اقدامات شوروی‌ها در مخالفت با ارسال گندم از مناطق شمال و شمال‌غربی ایران، ر.ک: سند شماره ۲۹۰-۳/۲۶۹/۲ و ۲۹۰-۳/۲۷۹/۱ اسناد ملی ایران؛ همچنین ر.ک: فاوست، ایران و جنگ سرد: بحران آذربایجان

(۱۳۲۴-۱۳۲۵)، ص ۱۵۹.

از اجرایی شدن برخی از برنامه‌های اقتصادی کشور، از جمله در جهت مقابله با احتکار و قاچاق سودجویان و دلّان شد.<sup>۱</sup>

شروع به کار دولت فروغی، هم‌زمان با روزهای آخر حیات دوره دوازدهم مجلس شورای ملی بود، انتخابات مجلس سیزدهم نیز در آخرین روزهای حکومت رضاشاه برگزار شده بود و نمایندگان آن هم مانند سایر ادوار مجالس دوره رضاشاهی، با اعمال نفوذ گسترده حکومت به مجلس راه یافته بودند.<sup>۲</sup> با خروج رضاشاه از کشور و باز شدن فضای نسبی سیاسی، برخی از روشنفکران و آزادی‌خواهان، لغو انتخابات و فراهم کردن شرایط برگزاری انتخابات آزاد توسط دولت را خواستار شدند تا نمایندگان حقیقی مردم به مجلس راه یابند.<sup>۳</sup> اما فروغی به بهانه شرایط ویژه کشور از پذیرش چنین درخواست‌هایی سرباز زد.

مجلس جدید به تدبیر دولت فروغی گشایش یافت، اما نمایندگان این دوره با توجه به اوضاع جدید دیگر حاضر به سازش و سرسپردگی مطلق که در گذشته از آنان انتظار می‌رفت نبودند. نمایندگان این دوره با توجه به مناطقی که از آنجا به مجلس راه یافته بودند، در خدمت سیاست‌های شوروی، انگلیس یا دربار بودند و البته معدودی رجال خوش‌نام و وطن‌دوست نیز میان آنان بودند. فروغی تمام توان خود را به کار بست تا بیشترین تعامل را با نمایندگان مجلس داشته باشد؛ اما بارها و بارها اقداماتش توسط نمایندگان مورد اعتراض قرار گرفت. برای نمونه تأمین خواسته‌های دولت‌های متفق، یکی از دغدغه‌های دولت فروغی بود، اما در این میان در نحوه چگونگی برخورد با کشورهای متفق، دولت و مجلس، مواضع و راهکارهای یکسانی نداشتند.

با وجود تسلیم مجلس در برابر لایحه دولت مبنی بر پیمان اتحاد مابین ایران و کشورهای انگلیس و شوروی، تصویب آن مخالفت‌هایی را بین برخی از نمایندگان به دنبال داشت. این واکنش میان مردم نیز بازتاب‌هایی یافت، به گونه‌ای که نخست‌وزیر، روزی که در مجلس در باب لزوم عقد این پیمان سخن می‌گفت، از سوی یکی از تماشاگران با سنگ مورد تعرض قرار گرفت که این امر موجب جراحت فروغی گردید.<sup>۴</sup> علاوه بر این، دولت نیز نتوانسته بود اقدامات مؤثری را به ویژه در زمینه حل مشکل خوار و بار مردم انجام دهد و این امر برای نمایندگانی که می‌خواستند از زیر برجسب و کیل‌الدوله بودن خارج شوند و

۱. در رابطه با بهره‌برداری سودجویان و دلّان از شرایط بغرنج کشور در سال‌های حضور متفقین، به عنوان نمونه ر.ک: اسناد مجلس شورای ملی، شماره بازبایی ۱/۴۵۷/۱۳۹/۱۰۱/۱۴، که مربوط است به شکایت اهالی اهواز از خرید و انبار کردن بی‌رویه جو و گندم توسط چند نفر سرمایه‌دار برای صدور به خارج و اظهار نگرانی از وقوع قحطی.  
۲. مجلس سیزدهم از چهار فراکسیون تشکیل شده بود. فراکسیون‌های مجلس سیزدهم عبارت بودند از: فراکسیون اتحاد ملی، میهن، آذربایجان (اتفاق) و عدالت که تا حدودی در سیاست داخلی و خارجی با هم اختلاف داشتند. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: آبراهامیان، همان، صص ۲۲۰-۲۲۲.

۳. کی‌استوان، تاریخ نهضت‌های ایران، ص ۱۰.

۴. درباره علت مخالفت برخی از نمایندگان با پیمان اتحاد سه‌جانبه، ر.ک: هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی: ۱۳۰۰-۱۳۵۷، ص ۷۹.

میان مردم وجهه‌ای کسب نمایند، خوشایند نبود.

نمایندگان معترض، سرانجام دولت را در ۸ اسفند مجبور به استعفا کردند، اما اکثریت نمایندگان دوباره نسبت به فروغی ابراز تمایل نمودند. انتخاب مجدد فروغی برای تشکیل کابینه جدید، شاید با این پیام همراه بود که اکثریت نمایندگان با شخص او و سیاست‌هایش مشکلی ندارند، بلکه آنچه آنها را به واکنش در مقابل او وادار می‌کند، وزیران منتخب اوست؛<sup>۱</sup> وزیرانی که امتحان خود را پس داده و نمره قبولی را در نگاه برخی از نمایندگان حاضر در مجلس، کسب نکرده بودند. در هر حال فروغی هیئت دولت جدید خود را به مجلس معرفی کرد و از نمایندگان تقاضای رأی اعتماد برای آنها نمود که مجلس شورای ملی پس از اخذ رأی، با اکثریت ۶۵ رأی از ۱۱۲ رأی حاضر، تمایل خود را نسبت به ادامه زمامداری فروغی ابراز کرد. فروغی که انتظار این حمایت ضعیف از سوی مجلس را نداشت و برای ادامه کار دل به پشتیبانی بیشتری از سوی مجلس بسته بود، صلاح را در ادامه همکاری با مجلس ندانست و در همان جلسه ۱۱ اسفند، استعفای کابینه خود را تقدیم کرد و بدین ترتیب، دوره زمامداری اولین دولت ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش به پایان رسید.

### نتیجه‌گیری

محمدعلی فروغی، از رجال تأثیر گذار در دوران سلطنت پهلوی‌ها بود. او پس از دوره‌ای مغضوب شدن و خانه نشینی، زمانی که کشور به سبب تهاجم متفقین و سقوط دیکتاتوری رضاشاهی با مخاطرات جدی روبه‌رو شده بود، از نو مأمور تشکیل کابینه و عبور دادن کشور از آن دوران سهمگین شد؛ هر چند مأموریت اصلی او نجات خاندان پهلوی و تداوم سلطنت بود. ایران در این زمان تحولات سریعی را از سر می‌گذراند، قدرت بالامنزاع از دستان شاه خارج شده، میان دولت، مجلس، ارتش و سفارت‌خانه‌های خارجی و حتی احزاب تازه متولد شده به نسبت‌هایی تقسیم شده بود، با این همه این دولت به عنوان قوه مجریه بود که عهده‌دار اداره و مسئول امور شناخته می‌شد.

فروغی موفق شد با زیرکی تاج شاهی را بر سر فرزند رضاشاه، محمدرضا بگذارد و سلطنت را در خاندان پهلوی حفظ کند. از جمله مهم‌ترین اقدامات او، مذاکره با متفقین و رسیدن به توافق با آنها بود که منجر به انعقاد پیمانی سه جانبه با انگلیس و روسیه شد. در این معاهده ارتش‌های اشغالگر متعهد شدند در ازای همکاری‌های ایران، استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت شناخته، ارتش خود را ظرف شش ماه پس از پایان جنگ، از کشور خارج کنند. آغاز به کار مجلس سیزدهم شورای ملی نیز علی‌رغم برخی مخالفت‌ها، در زمان وی صورت گرفت.

۱. البته فروغی برای حل این مسئله، راهکارهایی هم پیشنهاد داد که به جایی نرسید. (مثلاً برخی وزیران را با نظر نمایندگان تغییر داد یا از نمایندگان درخواست کرد که نمایندگانی را به قید قرعه انتخاب کنند تا نظرات خود را در زمینه تشکیل کابینه به نخست‌وزیر ارائه دهند.)

فروغی در دوره شش ماهه حضور خود، با مشکلات عدیده‌ای نیز دست به گریبان بود. حضور نیروهای خارجی و از هم پاشیدن سازمان قدرت در کشور، مصائب بسیاری را برای مردم به وجود آورده بود. برآوردن احتیاجات متفقین از یک سو و نبودن امنیت از سوی دیگر، بخشی از این مشکلات را تشکیل میداد. علاوه بر اینها، مشکل تأمین خوار و بار مردم نیز تشدید شده بود و بازار گران‌فروشی و احتکار و قاچاق کالاهای اساسی مردم فراوانی یافته بود. در چنین شرایطی، دولت تلاش‌های خود را در جهت بحران‌زدایی کشور متمرکز ساخته بود. فروغی تلاش‌های بسیاری نمود تا در سایه تعامل با دیگر نهادهای قدرت، سر و سامانی به اوضاع مملکت بدهد و مشکلات کشور را مرتفع سازد، اما ناکارآمدی این اقدامات، همه آنچه بود که در عمل مشاهده شد، چرا که هدایت این بحران به راستی از دست دولت و حکومت خارج بود و نه تنها فروغی، بلکه دولت‌های پس از او نیز در این رابطه نتوانستند اقدامات مؤثری را انجام دهند و گره‌ای از مشکلات مردم باز کنند، چرا که بدون شک بخش مهمی از مشکلات ایجاد شده، معلول حضور متفقین در داخل مرزهای کشور بود و نوع برخوردار با آنها و اتخاذ تدابیری در جهت حل مشکلات، نیازمند تعامل و همکاری بیشتری از سوی نهادهایی همچون دولت و مجلس و دیگر مراجع تأثیرگذار داخلی بود.

#### منابع

الف - اسناد و مطبوعات:

آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.

آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.

روزنامه اطلاعات.

#### ب - کتاب‌ها:

- آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
- ازغندی، علیرضا، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- اصلاح عربانی، ابراهیم و جمعی از نویسندگان، *کتاب گیلان*، ج ۲، تهران، انتشارات گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۸۰.
- بولارد، ریدر ویلیام و کلارمونت اسکراین، *شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
- تبرائیان، صفاءالدین، *ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۱۳۲۴*، تهران، نشر رسا، ۱۳۷۱.
- خامه‌ای، انور، *سال‌های پر آشوب: بخش دوم: شهریور ۱۳۲۰*، *اشغال ایران و سقوط رضاشاه*، تهران، فرزانه، ۱۳۷۸.
- خواجه نوری، ابراهیم، *بازیگران عصر طلایی: علی سهیلی*، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶.
- ذوقی، ایرج، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران، پازنگ، ۱۳۶۸.
- زیباکلام، صادق، *تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۲)*، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- سپهر، احمدعلی، *ایران در جنگ دوم جهانی*، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، بی‌تا.
- شجیعی، زهرا، *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، ج ۳، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۲.
- طلوعی، محمود، *بازیگران عصر پهلوی*، ج ۱، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶.

- عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران ۱۳۳۰-۱۳۳۳، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، البرز، ۱۳۷۴.
- فاوست، لوئیس، ایران و جنگ سرد: بحران آذربایجان (۱۳۳۴-۱۳۳۵)، ترجمه کاوه بیات، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹.
- کی‌استوان، حسین، تاریخ نهضت‌های ایران، تهران، بی‌نا، بی‌تا.
- گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش از جامی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۷.
- مجد، محمدعلی، گذشت زمان: خاطرات محمدعلی مجد (فطن السلطنه)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۷، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۲.
- میلسپو، آرتور، آمریکاییها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- \_\_\_\_\_، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی: ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران، البرز، ۱۳۷۵.

### ج - مقاله‌ها:

- آبادیان، حسین، «غلات و زندگی اجتماعی مردم در جنگ دوم جهانی»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

### د - منابع الکترونیکی:

- لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.  
<http://www.bashgah.net/fa/category/show/58403>